

نظری در دیوان حافظ چاپ دکتر خانلری

آقای دکتر خانلری مدتی در تصحیح و ترتیب دیوان حافظ مشغول بود و یک نسخه انتقادی در سال ۱۳۵۹ شمسی یعنی نه سال پس از انتشار نسخه گورکھپور و سی و نه سال پس از چاپ نسخه قزوینی، انتشار نموده که بدون شک در میان همه چاپها بهترین و معتبرترین است. و مبنای متن انتقادی او چهارده نسخه خطی بقرار زیر است:

- بیاض مکتوبه ۸۱۱ هـ، کوپر ولو احمد، ترکیه شامل ۳۶ غزل، بنشانه (الف).
- مجموعه مکتوبه ۸۱۳ هـ، ایاصوفیه، ترکیه شامل ۴۵۵ غزل، بنشانه (ب).
- مجموعه، ۸۱۳-۸۱۴، موزه برطانیه، لندن، شامل ۱۵۲ غزل، بنشانه (ج).
- مجموعه مکتوبه ۸۱۶ هـ، ایاصوفیه، ترکیه شامل ۱۵۳ غزل، بنشانه (د).
- نسخه مکتوبه ۸۱۸ هـ، آصفیه حیدرآباد، شامل ۴۱۵ غزل، بنشانه (هـ).
- مجموعه مکتوبه ۸۰۷ هـ، اکادمی تاجیکستان، شامل ۴۱ غزل، بنشانه (و).
- مجموعه، قرن نهم هجری، قویون اوغلو، ترکیه، شامل ۳۵۷ غزل، بنشانه (ز).
- مجموعه مکتوبه ۸۲۱ هـ، مملوکه دکتر مهدوی، تهران، بنشانه (ح).
- نسخه مکتوبه ۸۲۲ هـ، توپ قاپوسرای، ترکیه، شامل ۴۴۲ غزل، بنشانه (ط).
- نسخه گورکھپور، مکتوبه ۸۲۴ مملوکه خانواده سبزپوش شامل ۴۳۵ غزل، بنشانه (ی).
- نسخه نورعثمانیه مکتوبه ۸۲۵، ترکیه شامل ۴۹۶ غزل، بنشانه (ک).
- سفینه مکتوبه ۸۲۷، نسخه خلخال، مبنای چاپ قزوینی، تهران ۴۹۵ غزل، بنشانه (ل).
- سفینه مکتوبه ۸۳۶، مملوکه دکتر مهدوی، تهران، بنشانه (م).
- سفینه ۸۱۷-۸۳۸، مملوکه سلطان القرائی، تهران ۴۷ غزل، بنشانه (ن).

از جمله این چهارده نسخه خطی، دو نسخه «ب» و «ی» در تصحیح دیوان حافظ چاپ ۱۳۵۲، ۱۳۵۴ بتوسط راقم این سطور و جلالی نائینی بکار برده شده، و نسخه «ب» قبلاً در سال ۱۳۵۰ چاپ شده بود، نسخه «هـ» بتوسط بنده در سال ۱۹۶۰ معرفی شده، نسخه «و» در روسیه معرفی و دو بار از چاپ درآمد، غزلهای شامل نسخه «ج» را آقای دکتر خانلری قبلاً بیرون کشیده و چاپ نموده بود،^۱ نسخه «ل» همان نسخه خلخالی است که مبنای چاپ قزوینی بوده است، نمره‌های «الف»، «و»، «م»، «ن» شامل جُنگهاست و عدد غزلهای آنها کم است، نسخه «ز» بدون تاریخ است، نمره‌های «ح»، «ط»، «ک» دفعه اول در تصحیح و ترتیب نسخه حاضر بکار برده شده است.

نسخه دیوان مصحح دکتر خانلری، شامل منظومه‌های زیر باشد:

- ۱ - غزلها ۴۸۶
- ۲ - غزلها (ملحقات) ۳۸
- ۳ - قصائد ۴
- ۴ - قصیده عربی ۱
- ۵ - ترکیب بند (یک بند) ۱
- ۶ - مثنویها ۳
- ۷ - ساقی نامه و مغنی نامه ۷
- ۸ - مقطعات ۵۴
- ۹ - فردیات ۵
- ۱۰ - رباعیات ۴۳

آقای پروفیسور خانلری غزلهای دیوان را در دو بخش چاپ کرده، در بخش اول غزلهایی (۴۸۶) است که به نظر پروفیسور مزبور اصیل است و در سه چهار کتاب مأخذ اساسی شامل است، بخش دوم شامل ۳۸ غزل است که به نظر آقای دکتر خانلری انتساب آنها به حافظ مشکوک است و به همین علت اینها را ذیل «ملحقات» چاپ کرده، این غزلها در یک یا دو نسخه و بعضی در سه نسخه یافته می شود، و بدین جهت انتساب اینها به حافظ مشکوک بنظر می آید، یک دو غزل در دیوان شاعران دیگر شامل است و بنا بر همین علت انتساب ایشان به حافظ شک را برطرف نمی سازد، قول دکتر مزبور به قرار زیر است:

«غزلهایی که زیر عنوان ملحقات می آید آنهاست که تنها در یک، یا گاهی دو سه نسخه از مجموع مأخذ ما وجود دارد، بعضی از این غزلها در دیوان شاعران دیگر ثبت شده

و غالباً می توان به صحت انتساب آنها به شاعری جز خواجه حافظ اطمینان داشت. مانند قسمتی از یک قصیده مسعود سعد سلمان و دو غزل از سلمان ساوجی و جز اینها. بعضی دیگر که گوینده آنها شناخته نیست یکسره دور از شیوه خواجه و سست و مبتذل است، با این حال چون در مآخذ ما وجود داشته نخواستیم یکباره آنها را طرد کنیم، از آنچه در متن آورده ایم نیز غزل ۳۶ با احتمال قوی از سلمان ساوجی است. اما در چندین نسخه کهن ثبت است و ما ناچار از آوردن آن در متن بوده ایم. اینک غزلهایی را که صحت انتساب آنها به خواجه شیراز مورد تردید است در ذیل می آوریم...»^۲.

نظر آقای دکتر خانلری درباره صحت انتساب غزل به حافظ بر ضد نظر آقای قزوینی است. به عقیده مؤخرالذکر مندرجات نسخه قدیمی مثلاً مکتوبه ۸۲۷، همه معتبر است و کلام اصیل مصنف می باشد،^۳ اما نزد آقای خانلری غزلی که شامل دویا نه نسخه باشد برای اثبات صحت انتساب کافی نیست، بدین جهت حتی یازده غزل که شامل دیوان قزوینی (نسخه خلخال) است، در نسخه خانلری در ذیل ملحقات یعنی غزلهای مشکوک درج شده (غزلهای شماره ۴، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۲. که غزل شماره ۴ در نسخه آصفیه - مکتوبه ۸۱۸ هـ، و غزل شماره ۹ در نسخه نورعثمانیه - مکتوبه ۸۲۵ هـ نیز شامل است).

به عقیده بنده، نظر آقای دکتر خانلری یعنی تردید در صحت انتساب ۳۸ غزل که ذیل «ملحقات» در این نسخه ثبت است، کاملاً درست بنظر نمی آید به قرائن زیر:

۱ - آقای دکتر خانلری فقط نسخه هایی را اساس کار قرار داده که تا ۸۳۶ - ۸۳۷ هـ استنساخ یافته بود، اما خود را مقید به نسخه های تا این تاریخ (۸۳۶-۸۳۷) نمودن پایه اساسی ندارد. بسیار نسخه ها که تا اواسط قرن نهم رونویس شده در کتابخانه های جهان موجود است و از آنها صرف نظر نمی توان کرد، آقای قزوینی شش نسخه زیر را که تا اواسط قرن نهم رونویس شده معرفی نموده است، و معلوم نیست که آقای دکتر خانلری چرا اینها را ذکر ننموده و از اینها استفاده نکرده:

نسخه بادلیان، مکتوبه ۸۴۳.

نسخه چسترییتی، مکتوبه ۸۵۳.

نسخه مجلس شورای ملی ایران، تهران، مکتوبه ۸۵۴.

نسخه موزه برطانیه، مکتوبه ۸۵۵.

نسخه کتابخانه نیشال، پاریس، مکتوبه ۸۵۷.

نسخه مجلس شورای ملی ایران، تهران، مکتوبه ۸۵۸.

اگر این نسخه‌هایی که تا اواسط قرن نهم رونویس شده، در نظر گرفته می‌شد، تردید انتساب غزلهایی که فقط در دو یا سه نسخه وجود دارد، برطرف می‌شد زیرا که عدۀ نسخه‌ها که شامل این غزلها باشد از دو یا سه بیشتر می‌شد، ناگفته نگذاریم که بسیار وقت است که غزلی که فقط در یک نسخه ثبت است، همان غزل اصیل است. آقای دکتر خانلری این را در نظر نگرفته.

۲ - چون معلوم است که دیوان خواجه در زندگانش تدوین نیافته، غزلهایی که در نسخه‌های کهن مثلاً تا اواسط قرن نهم، ثبت باشد حق دارند که در ردیف منظومه‌های اصیل آورده شوند تا وقتی که قرائن دیگر صحت انتساب آنها را باطل نکند.

۳ - بعضی منظومه‌ها بنا بر نظر محققان دیگر الحاقی قرار داده شده‌اند، مثلاً آقای دکتر خانلری بعضی غزلها را بنا بر گفته آقای حسین پیرمان در ذیل ملحقات آورده، حال آن که نظر آقای مزبور در بعضی موارد خالی از اشتباه نیست. دانشمند مذکور قطعۀ ذیل را الحاقی دانسته:

بر تو خوانم ز دفتر اخلاق آیتی در وفا و در بخشش
و آقای انجوی شیرازی از این فرصت استفاده نموده این قطعۀ را از نسخه دیوان چاپ خود خارج نموده. و حال آن که این قطعۀ در هفت نسخه قدیمی ثبت است. یعنی در نسخه مکتوبه ۸۱۳ هـ، مکتوبه ۸۱۸ هـ، نسخه قرن نهم، نسخه مکتوبه ۸۲۲ هـ، نسخه مکتوبه ۸۲۴ هـ، نسخه مکتوبه ۸۲۵ هـ، نسخه مکتوبه ۸۲۸ هـ. بعلاوه همان قطعۀ در بیاض تاج الدین احمد وزیر^۵ که در ۷۸۲ هـ در حیات حافظ شیرازی جمع آوری شده، ثبت است، بنا بر این از اوضح و اضحات است که این قطعۀ از حافظ است، و نظر حسین پیرمان و انجوی شیرازی کاملاً از اعتبار ساقط است، به همین علت نباید نظر پیرمان را در هر مورد بدون تحقیق قبول کرد.

۴ - شک نیست که بعضی غزلها در دیوان شاعران دیگر موجود است، این صورت، صحت انتساب آنها را به خواجه مشکوک می‌سازد، اما نباید فراموش کرد که فقط وجود آن در دیوان یک شاعر دیگر بدون قرینه‌های دیگر انتساب آن را به آن شاعر قطعی نمی‌سازد و بدون تحقیق آن را قبول نباید کرد در صورتی که آن منظومه‌ها در نسخه‌های قدیمی خواجه ثبت باشد.

۵ - بعضی منظومه‌ها بر بنای سبک و روش، الحاقی قرار داده شده، این طرز تحقیق متن خالی از خطر نیست، فی الحقیقت این صورت قرینه‌ای بدست می‌دهد، اما تا وقتی که قرینه دیگر این قیاس را مورد تأیید قرار نمی‌دهد آن را نباید قبول کرد.

خلاصه این که نظر بنده این است که تمامی ۳۸ غزل را که تحت عنوان ملحقات^۶ در دیوان ترتیب آقای دکتر خانلری ثبت شده، نباید الحاقی قرار داد و از دیوان خارج نمود، این امر مستلزم تحقیق عمیق است، و در عدم این صورت نباید چیزی به نحو قطع و یقین گفت.

اگر چه مبنای تحقیق آقای دکتر خانلری چهارده نسخه خطی قدیمی است و تا کنون هیچ محقق در جمع آوری این قدر مواد نو و معتبر موفق نشده، اما از بعضی از منابع مهم صرف نظر شده که بنده بعضی از آنها را ذیلاً معرفی می نمایم:

۱ - مجموعه لطایف و سفته ظرایف از سیف جام هروی که در هند در عصر فیروز شاه^۷ تغلق (۷۵۲ - ۷۹۰) شروع شده و تا بعد از ۸۰۴ هجری زمان مبارک شاه شرقی^۸ ادامه داشته. این مجموعه شامل ۱۲۷ غزل از حافظ است، از این مجموعه دو نسخه موجود است، یکی در موزه برطانیه و دیگری در دانشکده ادبیات در کابل. بنده یک مقاله مفصل درباره این مجموعه در مجله اند و ایرانیکا، کلکته، سپتامبر ۱۹۶۶ چاپ نموده و مطالعه ای غزلهای حافظ را در آن ذکر کرده ام و از آن جمله غزلی هست که جز در جامع نسخ دیوان حافظ از آقای فرزاد هیچ جا یافته نمی شود، و در آخر مقاله هذا آن غزل همراه گزارش مختصری درج خواهد شد.

۲ - لطایف اشرفی و مکتوبات اشرفی. لطایف اشرفی مجموعه ای است از گفتارهای عارف شهیر سید اشرف جهانگیر سمنانی (م: ۸۰۸) مقیم در روح آباد کچهوچه در نزدیکی فیض آباد در استان اترپرویش، سید اشرف مسافرت به کشورهای اسلامی نموده و به شیراز به ملاقات خواجه حافظ نائل آمده چنانچه در لطایف اشرفی^۹ آمده است: «حضرت قدوة الکبری می فرمودند که خواجه حافظ شیرازی یکی از مجذوبان درگاه عالی و محبوبان بارگاه متعالی است، به این فقیر نیازمندی داشت و مدتی به هم دیگر صحبت داشتیم. روزی در گازرگاه^{۱۰} نشسته بودیم که سخنی در مراتب اهل معارف و زهد می گذشت، مجذوب شیرازی خواند:

ز روی دوست دل دشمنان چه دریابد چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا»

سید اشرف بیش از بیست و هفت مورد اشعار حافظ همراه حکایات و واقعات نقل نموده است.

مکتوبات اشرفی مجموعه ای است از مکاتیب سید اشرف سمنانی که با پادشاهان و امیران معاصر خود نوشته و در این مکتوبات چندین جا ذکری از حافظ شده و اقلان^{۱۱} نه بیت از دیوان خواجه در موارد مختلف ثبت شده. بنا بر این باید این دو کتاب را یکی از

معتبرترین منابع دربارهٔ حیات و آثار خواجه شمر. بنده یک مقاله مفصل راجع به همین موضوع در سال ۱۹۶۰ هـ در مجلهٔ فکر و نظر، دانشگاه علیگره، چاپ نمودم که بعداً بوسیلهٔ آقای علی اصغر حکمت ترجمه و در مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه شیراز در ۱۳۴۱ مقاله‌ای مبنی بر آن چاپ شده، و در این مقاله هر دو کتاب یعنی لطایف و مکتوبات مفصلاً معرفی شده. ناگفته نماند که آقای همایون فرخ در مقاله‌ای شامل کتاب «حافظ» ۱۳۵۰ شمسی، نه محض از این دو مأخذ مهم صرف نظر نموده، بلکه از وجود آن عارف شهیر که خانواده‌اش تا امروز باقی است، انکار نمودند. بنده در یک مقاله شامل اندو ایرانیکا، کلکته، نظرهای آقای همایون فرخ را رد نمودم، حیف است این مأخذ که در ایران دوسه بار معرفی شده‌اند، جلب توجه آقای دکتر خانلری نتوانست کرد.

۳- یکی از منابع مهم که در تصحیح دیوان حافظ از آن صرف نظر شده، مجموعه‌ای است بنام بیاض تاج الدین وزیر که در سال ۷۸۲ هـ در شیراز جمع آوری شده. در این جُنگ که ده سال پیش از وفات حافظ در شیراز ترتیب داده شده اشعار حافظ در چهار مورد ذیل درج شده:

به خط شهاب الدین محمد بن صاحب المرحوم شمس الدین محمد شهاب عز نصره

لمولانا شمس الدین محمد حافظ دام فضله

خدا که صورت ابروی دلگشای تو بست

گشاد کار من اندر کرشمه‌های تو بست

مرا و سرو چمن را ز دل ببرد آرام

زمانه تا قصب نرگس و قبای تو بست

چو غنچه بردل مسکین من گره مفکن

چو عهد با سر زلف گره‌گشای تو بست

مرا به بند تو دوران چرخ راضی کرد

ولی چه سود که سر رشته در رضای تو بست

هم از نسیم توروزی گشایشی یابد

چو غنچه هر که دل اندر پی هوای تو بست

تو خود حیات دگر بودی ای زمان وصال

دلَم امید ندانست و در وفای تو بست

ز دست جور تو گفتم ز شهر خواهم رفت

به خنده گفت که حافظ برو که پای تو بست؟^{۱۱}

به خط احمد بن محمد الحسینی (بدون نام شاعر)

بر تو خوانم ز دفتر اخلاق	آیتی در وفا و در بخشش
هر که بخراشت جگر به جفا	همچو کان کریم زربخشش
کم مباش از درخت سایه فکن	هر که سنگت زند ثمر بخشش
از صدف یاد گیر نکته حلم	هر که بر د سرت گهر بخشش

فی التاس عشر رجب المرجب لسنة

۷۸۲ احمد بن محمد الحسینی^{۱۲}

به خط مظفر الدین ملک السلمانی ، مولانا شمس الدین محمد فرماید

روضه خلد برین خلوت درویشان است
 پایه محتشمی خدمت درویشان است
 آنچه زر می شود از پرتو او قلب سیاه
 کیمیایی است که در صحبت درویشان است
 دوستی را که نباشد غم از آسیب زوال
 بی تکلف بشنو دولت درویشان است
 کنج عزت که طلسمات عجائب دارد
 فتح آن در نظر رحمت درویشان است
 از کران تا به کران لشکر ظلم است ولی
 از ازل تا به ابد فرصت درویشان است
 روی مقصود که شاهان به دعا می طلبند
 مظهرش آینه طلعت درویشان است
 ای توانگر مفروش این همه نخوت که تورا
 سر و زردر کنف همت درویشان است
 گنج قارون که فرو می رود از قهر هنوز
 خوانده باشی که هم از غیرت درویشان است
 ایضا آن جا به ادب باش که سلطانی و ملک
 همه از بندگی حضرت درویشان است^{۱۳}

به خط ملک السلمانی (بدون نام شاعر)

به سمع خواجه رسان ای ندیم وقت شناس

به خلوتی که در آن اجنبی صبا باشد

لطیفه ای بمیان آرو خوش بخندانش

به نکته ای که دلش را در آن رضا باشد

پس آن گه از کرمش این قدر به لطف پیرس

که گر وظیفه تقاضا کنم روا باشد

حرره اقل عباد الله تعالی ملک السلمانی فی اواخر رجب المرجب اثین و ثمانین و سبعمائیه^{۱۴}

۴ - یک مجموعه نظم و نشر که در کتابخانه خدابخش پتیه در هند زیر شماره ۵۷۵۳/۲۴۷۸ نگاهداری می شود، شامل ۴۹ غزل از حافظ است، تاریخ اتمام این مجموعه ۸۱۶ هـ است و این تاریخ اقلاً دو بار در مجموعه مزبور ثبت است:

«حرره العبد تراب اقدم الفقرا الحسن الحافظ اصلح الله شأنه فی عشرين ذی الحجة لسنة ست عشر و ثمانمائیه.»

«فی شهر ذی قعده سنة ست عشر و ثمانمائه و صلی الله علی خیر خلقه وآله»
غزلهای حافظ بعنوان: وله علیه الرحمة، وله ایضاً، ایضاً له نقل شده است. و نسخه مذکور دارای خصائص املائی آن دوره است و در خط تعلیق ریز خوانا و زیبا نوشته شده، و واضح است که نویسنده آن یعنی حسن الحافظ خوشنویس توانا بود. اشعار حافظ شامل ده صحیفه، هر صحیفه در دو ستون است و در هر صفحه دو ستونی ۵۰ بیت می باشد. این غزلها فقط از سه ردیف «الف»، «ت»، «دال» انتخاب شده، بنابراین واضح است که جامع نسخه هیچ ترتیب در ذهنش نداشته.

ناگفته نگذاریم که اگر چه همه این غزلها در دیوانهای معتبر وجود دارد، اما از لحاظ عدد اشعار هر غزل و ترتیب اشعار، این نسخه دارای اهمیت خاصی است و در تصحیح دیوان موثر خواهد شد، بنا بر این مطلعهای غزلها ذیلاً درج می شود:

۱ - الا یا ایها الساقی آدر کاساً و ناولها

۲ - ساقی به نور باده بر افروز جام ما

۳ - صوفی بیا که آینه صاف است جام را

۴ - رونق عهد شباب است دگرستان را

- ۵ - صلاح کار کجا و من خراب کجا
- ۶ - اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را
- ۷ - صبا بلطف بگو آن غزال رعا را
- ۸ - ساقیا برخیز و درده جام را
- ۹ - دل سراپرده محبت اوست
- ۱۰ - ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست
- ۱۱ - شربت از لب لعلش نچشیدیم و برفت
- ۱۲ - غمت تا در دلم مأوا گرفت
- ۱۳ - بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است
- ۱۴ - کنون که بر کف گل جام باده صاف است
- ۱۵ - روضه خلد برین خلوت درویشان است
- ۱۶ - بلبل بر گلی خوشرنگ در منقار داشت
- ۱۷ - خمی که ابروی چشم تو در کمان انداخت
- ۱۸ - مدامم مست می دارد نسیم جعد گیسویت
- ۱۹ - حسنت باتفاق ملاحظت جهان گرفت
- ۲۰ - ساقی بیا که یار ز رخ پرده بر گرفت
- ۲۱ - رواق منظر چشم من آستانه توست
- ۲۲ - ز آن یار دلنوازم شکری است با شکایت
- ۲۳ - یا رب سببی ساز که یارم به سلامت
- ۲۴ - چه لطف بود که ناگاه رشحه قلمت
- ۲۵ - ای غایب از نظر به خدا می سپارمت
- ۲۶ - ای هدهد صبا به سبا می فرستمت
- ۲۷ - شنیده ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت
- ۲۸ - صبحدم مرغ چمن با گل نوحاسته گفت
- ۲۹ - سالها دل طلب جام جم از ما می کرد
- ۳۰ - به سر جام جم آن گه نظر توانی کرد
- ۳۱ - بیا که ترک فلک خوان روزه غارت کرد
- ۳۲ - دانی که چنگ و عود چه تقریر می کنند
- ۳۳ - نقدها را بود آیا که عیاری گیرند

- ۳۴ - شاهدان گر دلبری زین سان کنند
 ۳۵ - در نظر بازی ما بیخبران حیرانند
 ۳۶ - غلام نرگس مست تو تاجدارانند
 ۳۷ - شراب بیغش و ساقی خوش دو دام رهند
 ۳۸ - چه مستی است ندانم که ره به ما آورد
 ۳۹ - از سر کوی تو هر کوبه ملامت برود
 ۴۰ - ساقی حدیث سرو و گل و لاله می رود
 ۴۱ - من و انکار شراب این چه حکایت باشد
 ۴۲ - روز هجران و شب فرقت یار آخر شد
 ۴۳ - ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد
 ۴۴ - حافظ مسجد نشین دوش به میخانه شد
 ۴۵ - دل از من برد و روی از من نهان کرد
 ۴۶ - هر آن که جانب اهل وفا نگهدارد
 ۴۷ - اگر به باده مشکین دلم کشد شاید
 ۴۸ - خوش است خلوت اگر یار یار من باشد
 ۴۹ - پیرانه سرم عشق جوانی به سرافتاد

منظومه ای که در ذیل نقل می شود در هر دو نسخه مجموعه لطایف و سفینه ظرایف ثبت است، اما آن از اکثر نسخه های دیوان خارج و فقط در جامع نسخ از استاد فرزاد، شامل است:

ای وصل جان نوازت معمار خانه دل
 وی جان و دل ز لعلت مقصود کرده حاصل
 قصر حیات باشد زندان جان شیرین
 گروصل تو ندارد سر در خرابه داخل
 صحن سرای دل را شستم به آب دیده
 در روی غمت به شادی جانان چو کرد منزل
 از سوز سینه هر شب جان راست دست بر سر
 وز آب دیده هر دم دل راست پای در گل
 جانان به بحر عشقت بی آشنا و رهبر
 کشتی دل فکندم تا کی رسد به ساحل

در جان و دیده دل ای مشتری شمایل
 مهر تو سیر دارد چو ماه در منازل
 باز آئی تا بنوشد جان شربتی ز وصلت
 ای من ز جام هجرت نوشیده زهر قاتل
 صد خون به گردن جان داری، چه باشد آخر
 گربیدلی کند دست در گردنت حمایل
 از روی دلنوازی با ما اگر بسازی
 جان پروریم با هم در عهد شاه عادل
 قطب سپهر شاهی دریا دلی که دستش
 کرد از سحاب احسان سیراب جان سایل
 تا هست جوهر جان محمود باد سلطان
 گشته ز دل غلامش هر دم هزار مقبل

محمود شاه^{۱۵} که نامش در این منظومه آمده برادر شاه شجاع و فرمانروای اصفهان بود، پس از چندی شاه شجاع را شکست داده شیراز را جزو سلطنت خویش گردانیده و تقریباً دو سال (۷۶۵ تا ۷۶۷) بر این خطه حکومت نموده، بظاهر منظومه مذکور در همین زمان بنظم آمده باشد، اگرچه از لحاظ سبک این منظومه از منظومه‌های دیگر مختلف بنظر می‌آید، اما چون این در هر دو نسخه مجموعه لطایف شامل است ما ناچار هستیم که این منظومه را از خواجه بدانیم، مرحوم آقای مجتبی مینوی در سفر اخیر به هندوستان به علیگره نیز تشریف آوردند، وقتی که بنده درباره صحت انتساب این غزل به حافظ صحبت داشتم آقای مزبور اظهار شک نموده، اما بنده یادآوری نمودم که غزل مذکور در هر دو نسخه این مجموعه شامل است، پس از اوضح و اوضحات است که نسخه دیوان حافظ که از روی آن سیف جام هروی مؤلف مجموعه لطایف، غزل‌های حافظ انتخاب نموده نسخه قدیمی، و شامل این منظومه بود، چون غزلیات منتخب به ترتیب تهجی نیست از این قرینه‌ای بدست می‌آید که آن نسخه خیلی قدیم بود، پس برای ابطال انتساب غزل به حافظ باید قرینه دیگری بدست آورد، و تا آن وقت باید این غزل را در میان غزل‌های خواجه جا داشت.

در آخر باید علاوه نمود که منظومه‌های زیر که در نسخه گورکپور موجود است، جناب آقای دکتر خانلری از نسخه دیوان حافظ بدون ذکر وجوه خارج نموده:

رحیم منکر خمار بود روزی چند
 به آن دلیل که القاص لایحب القاص^{۱۶}
 کلک کوته نظرم بین که بر طغرل شاه
 سخن طعنه هدهد به زبان می آرد^{۱۷}
 تا کار به کام دل مجروح شود
 تا ملک تنم بی ملک روح شود^{۱۸}
 باز آی که چشم به جمالت نگران است
 باز آ که ز هجرت دل من در خفقان است^{۱۹}
 شکر شکر به شکرانه بیفشان حافظ
 که نگار خوش شیرین حرکات دادند^{۲۰}
 آواز پر مرغ طرب می شنوم
 یا نفعه گلزار ادب می شنوم^{۲۱}
 مقبول دل خواص و مشهور عوام
 خوش لهجه و موزون حرکت بدر تمام^{۲۲}
 راه طلبت ز خار غمها دارد
 کو راهروی که این قدمها دارد
 همین طور این دو منظومه که شامل نسخه آصفیه است، بدون ذکر وجوه از نسخه آقای دکتر خانلری خارج شده:

گه به حکمت قطره را گردانده لؤلؤ در صدف
 گه به قدرت خار را لعل بدخشان ساخته

ای جهان و هر چه هست از آفرینش در جهان
 کرده در فطرت طفیلت خالق کون و مکان

از گزارش بالا بر می آید که تا کنون محققان حافظ در ترتیب و تصحیح دیوان که از یک طرف از الحاق دور باشد و از طرفی دیگر شامل همه منظومات حافظ باشد، چنان که باید موفق نشده اند، مثلاً بعضی نسخه های دیوان از اشعار الحاقی پاک است اما شامل همه منظومات نیست. دیوان حافظ چاپ آقای قزوینی - دکتر غنی و نیز چاپ آقای دکتر خانلری یقیناً دارای کلام الحاقی نیست، اما دارای همه منظومات نیست، اما جامع نسخ

دیوان حافظ شامل همه جور منظومات اصیل و الحاقی می باشد، به نظر بنده در تصحیح و ترتیب دیوان حافظ امور ذیل را باید در نظر داشت:

۱ - همه نسخه های دیوان که تا قرن نهم هجری رونویس شده باشد، فراهم آورده شوند.

۲ - بعضی از نسخه های متأخر که بنا بر خصوصیات مخصوصی امکان دارد که معتبر باشند و اشتباهات کم باشند، نیز باید بکار برده شود.

۳ - کتب تاریخ و تذکره و لغت و مجموعه ها و بیاضها که شامل اشعار حافظ باشند، مورد استفاده قرار داده بشود.

۴ - از مقایسه نسخه های دیوان و اشعار متفرقه که از کتب دیگر، بیرون کشیده باشد باید فارموله ای بدست آورد و از روی آن اشعار را باید مورد تحقیق قرار داد.

یادداشتها:

۱ - یک بار در تهران ۱۳۳۴ شمسی و بار دیگر در هندوستان در سال ۱۹۷۷ مسیحی چاپ شده.

۲ - دیوان حافظ، طبع دکتر خانلری، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۰۰۱.

۳ - دیوان حافظ، طبع قزوینی - دکتر غنی، تهران ۱۳۲۰، مقدمه: صفحه «لط»: «و چون نسخه خ (خلخال) که در سنه ۸۲۷ کتابت شده عجله تا نسخه قدیمتری از آن بدست نیامده، آن را باید قدیمترین نسخ موجوده تاریخدار دیوان حافظ در دنیا محسوب داشت، لهذا من خود را ملتزم و مقید کردم که در خصوص کمیت اشعار یعنی از لحاظ عده غزلیات و عده ابیات هر غزلی (نه از لحاظ صحت و سقم عبارات) از ابتدا تا انتهای کتاب فقط و منحصرأ همان نسخه را اساس کار خود قرار دهم و هرچه در آن نسخه موجود است از غزلیات و مقطعات و مثنویات و رباعیات تماماً بدون هیچ زیاده و نقصان آنها را چاپ کنم، و هرچه در آن نسخه موجود نیست خواه غزلیات مستقل و خواه ابیات متفرقه بعضی غزلها یا غیر ذلک آنها را مطلقاً کالعدم انگاشته بکلی از آن صرف نظر نمایم، زیرا که چون این نسخه (یعنی نسخه خ)، نسخه کامل تمامی است از دیوان خواجه، و خلاصه و انتخابی از آن نیست پس هرچه در این نسخه نیست با احتمال بسیار قوی بلکه تقریباً به نحو قطع و یقین الحاقی و اشعار دیگران است که بعدها در دیوان خواجه داخل کرده اند...»

واضحاً نتیجه دوم در بیان آقای قزوینی یعنی هرچه خارج از نسخه خلخال است الحاقی است، خیلی خطرناک است زیرا اگر جزوی از آن کلام الحاقی در نسخه قدیمتر از نسخه خلخال شامل باشد، عقیده آقای قزوینی باطل گردد، در کتابخانه آصفیه حیدرآباد یک نسخه دیوان حافظ مکتوبه ۸۱۸ هـ. که خلاصه دیوان است، (رک. رساله بنده: تاریخی و ادبی مطالع، ص ۶۳-۷۳؛ نیز مجله علوم اسلامی، دانشگاه اسلامی علیگره) نگهداری می شود. این نسخه شامل ۳۵۷ غزل، ۱۲ قطعه و ۲۰ رباعی است. از مقایسه مندرجات این نسخه با مندرجات نسخه قزوینی معلوم شد که نسخه آصفیه شامل ۸ غزل، ۵ قطعه و سه رباعی می باشد که خارج از نسخه قزوینی و نسخه خلخال است و به عقیده آقای قزوینی الحاقی است و کلام حافظ نیست. بنده مطلعهای منظومات اضافی را ذیلاً درج می کنم: (در مقاله «ماجرای چگونگی کشف یک نسخه خطی قدیمی...»، ایران نامه، سال ۵، شماره ۳، بهار ۱۳۶۶، این اشعار

چاپ شده، اما در آن جا یک کمی فرق واقع شده)

غزلها: ۸

ز دل بر آمدم و کار بر نمی آید
مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید
مرا می دگر باره از دست برد
ساقیا مایه شراب بیار
صبیا به مقدم گل راح روح می بخشد
جانا تو را که گفت که احوال ما مپرس
ای ز شرم عارضت گل کرده خوی
ساقی اگر ت هوای ماهی (در بعضی نسخه ها این جزوی از ترکیب بند است)

قطعات: ۵

که به حکمت قطره را گردانده لؤلؤ در صدف
ای جهان و هر چه هست از آفرینش در جهان
دل منه (نسخه گورکهور: مبنده) ای مرد بخرد بر سخای عمرو و زید
حسن این نظم از بیان مستغنی است
دریغا خلقت و حسن و جوانی

رباعیها: ۳

نام بت من که مه ز رویش خجل است
چو جامه ز تن می کشد آن مشکین خال
شیرین دهنان عهد به پایان نبرند

با کشف شدن نسخه گورکهور قرآنی بدست آمده که نظر آقای قزوینی را کاملاً باطل می کند، این نسخه بوسیله راقم این سطور کشف شده و در مجله ایران شناسی در سال ۱۳۴۹ معرفی شده و بعداً در سالهای ۱۳۵۰، ۱۳۵۲، ۱۳۵۴ با همکاری آقای جلالی نائینی چاپ شده، نسخه مزبور که شامل ۴۵۵ غزل، ۱۷ قطعه، ۲۷ رباعی و ۵ فرد است، دارای ۶ غزل، ۵ قطعه، ۴ رباعی و ۲ فرد اضافی باشد که از نسخه خلخالی خارج است و بنا بر عقیده آقای قزوینی الحاقی و از نسخه قزوینی نیز خارج است. مطلعهای منظومات اضافی بقرار زیر است: (این مطلعها در ایران ناهه، سال ۵، شماره ۳، درج است. اما در آن جا یک کمی فرق واقع شده.)

غزلها: ۶

صبح دولت می دمد کو جام همچون آفتاب
مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید
جانا تو را که گفت که احوال ما مپرس
ای شام ز کوی ما گذر کن
ای از فروغ رویت روشن چراغ دیده
ای ز شرم عارضت گل کرده خوی

مقطعات: ۵

دل مبنده ای مرد بخرد در سخای عمرو و زید
رحیم منکر خمار بود روزی چند
شاه، مسافری ز بهشت رسید است

کَلک کوته نظرم بین که بر طغرل شاه
تا کار به کام دل مجروح شود

رباعیات: ۴

آواز پر مرغ طرب می شنوم
مقبول دل خواص و مشهور عوام

راه طلب ز خار غمها دارد

باز آی که چشمت به جمالت نگران است

(این در وزن رباعی نیست، پُژمان این را ذیل مقطعات منسوب به حافظ درج نموده)

فرد: ۲

تمنای من از عمر و جوانی

شکر شکر به شکرانه بیفشان حافظ (این بیت صورت دیگری است از بیتی که در چاپ قدسی ص ۱۵۰ آمده:

شکر شکر به شکرانه بیفشان حافظ که نگار خوش شیرین حرکاتم دادند)

منظومه‌هایی که در هر دو نسخه حیدرآباد (۸۱۸ هـ) و نسخه گورکهور (۸۲۴ هـ) موجود است و خارج از نسخه

خلخال (۸۲۷ هـ) و قزوینی است و به نظر آقای قزوینی الحاقی است، بقرار زیر است:

غزلها: ۱۱

صبح دولت می دمد کوجام همچون آفتاب

زدل برآمدم و کار بر نمی آید

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید

مرا می دگر باره از دست برد

ساقیا مایه شراب بیار

صبا به مقدم گل راح روح می بخشد

جانا تو را که گفت که احوال ما می‌رس

ای شام ز کوی ما گذر کن

ای از فروغ رویت روشن چراغ دیده

ای ز شرم عارضت گل کرده خوی

ساقی اگر ت هوای ماهی

قطعه‌ها: ۹

که به حکمت قطره را گردانده لؤلؤ در صدف

ای جهان و هر چه هست از آفرینش در جهان

دل منه ای مرد بخرد بر سخای عمرو و زید

حسن این نظم از بیان مستغنی است

دریغا خلعت و حسن و جوانی

رحیم منکر خمار بود روزی چند

شاهها مسافری ز بهشتم رسیده است

کَلک کوته نظرم بین که بر طغرل شاه

تا کار به کام دل مجروح شود

رباعیا: ۷

نام بت من که مه ز رویش خجل است
چون جامه ز تن بر کشد آن مشکین خال
شیرین دهنان عهد به پایان نبرند
آواز پر مرغ طرب می شنوم
مقبول دل خواص و مشهور عوام
راه طلب ز خار غمها دارد

باز آی که چشمت به جمالت نگران است (این رباعی نیست و پژمان این را تحت مقطعات منسوب به حافظ

نقل نموده)

فرد: ۲

تمنای من از عمر و جوانی

شکر شکر به شکرانه بیفشان حافظ

خلاصه کلام این که اگر مندرجات نسخه قزوینی با نسخه‌های قدیمتر از نسخه خلخال می‌مقایسه بشود عده منظومه‌هایی که آقای قزوینی آنها را الحاقی شمرده و از نسخه خود خارج نموده، خیلی زیاد می‌شود.

۴ - دیوان حافظ، طبع قزوینی - دکتر غنی، ص «مه».

۵ - چاپ اصفهان ۱۳۵۳ شمسی، ص ۵۸۱، بنده این بیاض را معرفی نموده‌ام، رک: مقاله بنده شامل کتاب: نذر حمید (ص ۱۰۱ - ۱۳۸)، چاپ دهلی ۱۹۸۱.

۶ - دیوان حافظ، طبع دکتر خانلری، ج ۲، ص ۱۰۰۱، ۱۰۲۴.

۷ - رک: ورق ۲۰۸، این بیت در وصف بناء قصر درگاه بقاجوی شهنشاه اعظم فیروز معظم خلد الله ملکه و سلطانه و اعلی امره و شأنه شاعری نبشته است الخ.

۸ - ورق ۲۲۳ ف: این شعر از گفتار خانزاده عزیز الله بسطامی است.

۹ - جزو ۲۶، ص ۳۷۰؛ نیز رک: مجله فکر و نظر ژنو، ۱۹۶۰ صفحه ۶۸.

۱۰ - در اصل: گذرگاه.

۱۱ - بیاض تاج الدین وزیر، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ۱۳۵۳ شمسی، ص ۴۳۲ و ۴۳۷.

۱۲ - همان مأخذ، ص ۵۸۱.

۱۳ - همان مأخذ، ص ۷۹۶ - ۷۹۷.

۱۴ - همان مأخذ، ص ۸۱۱.

۱۵ - برای آگاهی بیشتر رک: مجله فکر و نظر، ج ۱۲ جزو ۴، ۱۹۷۲، ص ۷۳ - ۹۳.

۱۶ - در بعضی نسخه‌ها شامل است، نیز رک: دیوان چاپ نذیر احمد و جلالی نائینی ص ۵۳۵.

۱۷ - شامل جامع نسخ حافظ، رک: دیوان چاپ نذیر احمد و نائینی ص ۵۴۶.

۱۸ - ذیل رباعیات درج است، رک، دیوان حافظ، چاپ نذیر احمد و جلالی نائینی ص ۵۵۷.

۱۹ - این رباعی است رک: ص ۵۴۷.

۲۰ - رک: ص ۵۶۰.

۲۱ - نزد پژمان الحاقی است، ایضاً ص ۵۵۳.

۲۲ - رک. ص ۵۵۶ ح.